

سید محمد باقر استرآبادی معروف به میر داماد از دانشمندانی است که تا کنون چنانکه باید شناخته نشده است. میر داماد از استادان فیلسوف نامی عصر اخیر ایرانی صدرالدین شیرازی معروف به صدر المتألهین بوده و در اندیشه و آثار او مانند هراستاد صاحب نظر در اندیشه و آثار شاگردش اثر گذاشته است. مقاله حاضر که به عنوان «میر داماد فلسفه و شرح حال و نقد آثار او» چاپ می شود، خلاصه ایست از نوشته مفصل تری در همین زمینه که آن را آقای سید علی موسوی بهبهانی به عنوان پایان نامه دکتری خود در رشته فلسفه همین دانشکده نوشته اند و با درجه بسیار خوب پذیرفته شده است. این رساله بهترین تحقیقی است که تا کنون در زبان فارسی در باره این دانشمند و آثار علمی او نوشته شده و از آنجا که دانشکده الهیات در صدد است که خلاصه ای از رساله های دکتری دانشکده را برای استفاده دیگران و آشنایی ایشان با طرز کار دانشجویان این دوره ها بیشتر سازد موجب خوشوقتی است که این کار را با رساله آقای دکتر بهبهانی و با شرح حال میر داماد آغاز میکند. آقای دکتر سید علی موسوی بهبهانی در حال حاضر استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی و یکی از افراد فاضل و شایسته هیأت علمی دانشگاه تهران است.

نوشته : سید علی موسوی بهبهانی

میرداماد فلسفه و شرح حال و تقدیر آثار او

این عنوان کتابیست که نگارنده آنرا بعنوان رساله دکتری خود تألیف کرده‌ام. این اثر ناچیز مورد توجه خاص اساتید دانشمند و اولیاء محترم دانشکده^۱ الهیات و معارف اسلامی قرار گرفت و با بهترین امتیاز مورد قبول آن استادان بزرگ و واقع گردید. و بهمین جهت این بنده را موظف داشتند که مقاله ای از اصول مطالب آن برای درج در نشریه^۲ آن دانشکده تنظیم نمایم تا هم معرفی از این کتاب بعمل آید و هم خلاصه‌ای از مسائل آن در دسترس طالبان قرار گیرد. نگارنده نیز بحکم انجام وظیفه دست بکار تحریر این مقاله شدم، و این نوشته بواقع خلاصه‌ای از کتاب مذکور است. لازمست در آغاز این نکته را یاد آور گردم که در خصوص دانشمند داماد استرآبادی بطور عالمانه و تحقیقی کاری انجام نیافته است و هرچند در بیشتر یا همه^۳ تراجم احوالی که از زمان وی ببعده تألیف شده نام او آمده و قسمتی از آثارش ذکر گردیده. لیکن همه بصورت شرح حال و وقایع نگاری بوده و در باره شخصیت فلسفی و آراء و نظرات علمی این دانشمند بررسی تحقیقی بعمل نیامده و حتی فهرست کاملی از آثار او نیز درجایی بنظر نرسیده است از این گذشته در باره معرفی آثارش گاه لغزشها در آثار نویسندگان تراجم بچشم میخورد. (بفهرست تفصیلی آثار میر از کتاب مورد بحث مراجعه شود).

می توان گفت دانشمند داماد نزد ارباب علم هم معروف و هم از جهتی مجهول است، یعنی شخصیت این حکیم الهی باجمال برای همه

روشن و مورد احترام و حتی نام وی زبانزد عوام نیز هست. ولی در عین حال آراء فلسفی و عقاید و چگونگی تألیفات و آثار او بطور تفصیل تاکنون ناشناخته مانده و آنچنان که باید معرفی نشده است. با توجه بمطالب مذکور تحقیق درباره آثار و آراء وی نیاز بکاری بیشتر و مطالعه عمیق تر دارد. برنگارنده لازم بود علاوه بر مطالعه کتب تراجم احوال و فهارس کتب فارسی و عربی، خود نیز تصانیف و آثار او را عمیقاً مطالعه نمایم، تا هم آراء و نظرات خاص ویرا با اتکاء بنوشته خود او بدست آورده و هم بتوانم فهرست دقیق و تفصیلی بالنسبه تحقیقی از آثارش بدست دهم، بهمین جهت بیشتر سعی نگارنده براین بوده که هرچه درباره افکار این دانشمند ارجمند مینویسم متکی بمأخذ و سندی باشد که از خلال مصنفات خود وی بدست آورده‌ام. چنانکه گفتیم این بدان معنی نیست که گفته‌ها و نوشته‌های دیگران را درباره میر داماد و آثارش از نظر دور داشته باشم بلکه بعکس بی‌گمان آنچه تاکنون درباره وی گفته یا نوشته شده از نظر گذرانده‌ام، لیکن تنها بآن بسنده نکرده و خود نیز بی‌واسطه آثار و مصنفات او را هر کدام بچاپ رسیده و یا نسخه خطی از آن موجود بوده مطالعه کرده و بقدر وسع خویش بهره برده‌ام.

محوط و زندگانی میر

بحث پیرامون شخصیت و آثار و افکار دانشمندان صاحب نظر بی‌شک به تحلیل اوضاع اجتماعی و علمی و تربیتی آنان بستگی و ارتباط کامل دارد. زیرا تأثیر عوامل مذکور در تکوین رشد و نمو فکر و اندیشه و شخصیت ایشان نمی‌تواند مورد انکار و تردید باشد. بخصوص که مقصود بحث تحقیقی و علمی درباره عقاید و افکار شخصیتی برجسته و صاحب نظر باشد. بنابراین نگارنده را نیز از بحثی اجمالی در این امور گزیری نیست.

اوضاع سیاسی : پیداست که پس از انقراض دولت ساسانی و فتح ایران بدست مسلمین تا زمانی که شاه اسماعیل سرسلسله^۱ سلاطین صفوی توانست اساس یک حکومت واحد ایرانی بر پایه اشتراك مذهب و زبان استوار سازد ، بواقع ایران تحت حکومت اقوام اجنبی قرار داشت ، لیکن گاه گاه سلسله های ایرانی کوچکی در قسمتی از سرزمین بزرگ و وسیع امپراطوری ساسانی حکومتهای تا اندازه مستقلی تشکیل دادند. از همه مهمتر سامانیان و صفاریان و آل بویه را می توان ذکر کرد . علاوه بر این سلسله های اجنبی دیگری که موفق بشکلی حکومتهای مقتدری شده بودند مانند غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان که خلافت عباسی را نیز بواقع زیر نفوذ خویش داشتند ، میتوان تا اندازه^۲ حکومتهای ایرانی محسوب داشت ، زیرا هر چند از لحاظ فرمانروا ترك و تاتار بودند لیکن بواقع رجال و شخصیتهای سیاسی و علمی ایرانی در دربار آنان چنان نفوذ و اقتداری داشتند که بواقع چرخهای حکومتهای فوق بدست آنان می گردید . و بهمین جهت تمام سلسله های مزبور را در تواریخ بنام سلاطین و سلسله های ایرانی ضبط نموده اند ولی با این همه تا پیدایش سلسله^۳ صفوی حکومت مستقل ایرانی کامل و احدی نظیر حکومت با عظمت و قدرت ساسانی در ایران بوجود نیامد و در حقیقت شاه عباس بزرگ بود که یادگار آن عهد عظمت و جلال ایران را زنده کرد . تاریخ سیاسی این دوره که حدود نه قرن بطول انجامید بتفصیل مورد بحث و بررسی مورخان وقایع نگار و عالمان و محققان جامعه شناس قرار گرفته و تحقیق تفصیلی در آن باره نه تنها در خور این مقال نیست بلکه نیازی بدان تفصیل نمی باشد و بهمین اندازه یاد آور میشوم که حکومتهای ایرانی در این نه قرن از نژادهای اجنبی بوده و گاه گاه حکومتهای کوچک متعددی در نقاط سرزمین وسیع ایران امپراطوری ساسانی تشکیل بود که میتوان آنرا با تاریخ

قرون و سطلی اروپا مانند کرد و بواقع نوعی ملوک الطوائفی بر ایران حکمفرما بود ، چنانکه در آغاز کار شاه اسماعیل صفوی در قله رو وسیع ایران زمان ساسانی عده پادشاهان و مدعیان سلطنت بسیزده تن میرسیدند . این پادشاهان و سلسله های آنان عبارت بودند از :

۱- شروان شاه در شروان ۲- الوند بیگ آق قویونلو در آذر بایجان و قسمتی از مغرب ایران ۳- مراد بیگ بایندر در یزد . ۴- سلطان مراد آق قویونلو در قسمتی از عراق ۵- رئیس محمد کره در ابرقو ۶- حسین کیای چلاوی در سندان و خوار و فیروزکوه ۷- پرنک در عراق ۸- قاسم بیگ بن جهانگیر در دیاربکر ۹- قاضی محمد و مولانا مسعود در کاشان ۱۰- سلطان حسین میرزای تیموری و فرزاندانش در خراسان ۱۱- بابر در افغانستان ۱۲- شیبک خان در ماوراءالنهر ۱۳- ابو الفتح بیگ بایندر در کرمان .

این نکته را باید یاد آور شوم که دوران ملوک الطوائفی ایران بسا قرون وسطی در اروپا این تفاوت را داشت که در تاریخ اروپا عصر مزبور دوران تعصب و نادانی و توحش بود و در تاریخ ایران عصر مزبور دوره پیشرفت و ترقی و رواج علوم و ادبیات و فلسفه و علوم و از ادوار درخشان تاریخ ایران بوده است . چنانکه گفتیم وضع سیاسی در زمان ظهور صفوی در سراسر ایران ملوک الطوائفی بود و آشوب و اضطراب همه جا را در برداشت و در همین اوان بعلی که نه کاملا بر ماروشن است و نه در پی تحقیق آن هستیم ، سلسله صفوی ظهور کرد و حکومت قوی و واحدی بنیان گذاشت که اصل پیدایش و استواری آن بی شباهت به معجزه نبود . زیرا سرسلسله آنان بسن سیزده سالگی با عده کمی که تعداد آنان از عددانگشتان فزونی نداشت قیام کرد و بگفته خود وی با استمداد از روح پرفتح اجداد خویش در کمتر از دو سال تمام ولایات شروان و ارمنستان و آذربایجان را

گرفت و در تبریز با سلطنت نشست و در مدت ده سال دیگر تمام سرزمینهای ایران را متصرف شد و حکومت ملوک الطوائفی را برانداخت و حکومت مستقل و واحدی بدین ترتیب در ایران تشکیل یافت که در زمان شاه عباس کبیر بنهایت قدرت و وسعت خویش رسید که یادگار ایران عهدساسانی را زنده ساخت. از خصوصیات بارز حکومت مزبور ترویج مذهب تشیع و تقویت علماء دینی و نشر و توسعه هر چه بیشتر معارف و علوم اسلامی شیعی بود. بطوریکه در بارهٔ تعصب و تقویت مذهب تشیع که اساس حکومت بر آن استوار بوده گاه وقایع ناگواری روی میداد. باری دانشمند داماد، شخصیت مورد بحث ما در عصری با این وضع و خصوصیات قدم بجهان هستی گذاشت.

شرح حال میر داماد: نام و نسب - فیلسوف فرزانه محمد باقر داماد فرزند میر محمد حسینی استرآبادی و دختر زاده محقق ثانی علی ابن عبدالعالی کرکی (م - ۹۴۰) است. القاب: برهان الدین، داماد، سید-افاضل، شمس الدین، میرداماد، و در اشعار «اشراق» تخلص دارد. میر داماد در شرح صحیفه فرموده: و سید حسینی نسب و استرآبادی الاصل و اصفهانی - المسکن و در خارج معروف به میر محمد باقر است. و داماد از القاب پدر اوست چه پدر او داماد محقق کرکی است و باین دامادی افتخار میکرده. چندی این لقب برای پسر نیز استعمال گردید و بتدریج در مورد او شیوع پیدا کرد بطوریکه مستعمل فیه اولی آن متروک گشت. از تاریخ تولد میر داماد آگاهی صحیحی نداریم جز اینکه سید طباطبائی مصحح کتاب «نخبة المقال فی اسماء الرجال» در صفحه ۹۸ کتاب مذکور گوید: «تاریخ تولد محقق داماد را در ۹۶۹ هـ یافتیم، ظفرت بتاریخ میلاده (میر داماد) فی سنة ۹۶۹ هـ. ولی در بارهٔ تاریخ وفات او گویا اکثریت قریب باتفاق تذکره نویسان آن را در سال ۱۰۴۱ هـ گفته اند.

تعلیم و تربیت روزگاراو: عصر صفوی را بساید عصر تبلیغ و ترویج مذهب شیعه نام نهاد زیرا در آغاز و انجام هرکاری نوعی از این تبلیغ یافت میشد کوشش برآن داشتند که دوستی خاندان حضرت علی در نهاد مردم گذارده شود و بخشی از سرشت آنان گردد. آشکار است که این کار در مکتب و مدرسه و مسجد بهتر انجام مییافت، کسانی که در دانش تفسیر و حدیث و خبر و فقه دستی داشتند مورد توجه شاه و بزرگان واقع میشدند، تعلیم و تربیت براساس تبلیغ و ترویج مذهب شیعه نهاده شد. کتابهای مدح و منقبت چهارده معصوم رواج یافت. گویندگان و نویسندگان آثار خود را بر این پایه نهاده از این رو بیشتر دانشجویان بکسب دانشهای تفسیر و حدیث و فقه پرداختند و بازار فلسفه و منطق و طب و ریاضیات رو بکسادی نهاد ولی کم و بیش کسانی که استعداد کافی داشتند و از مردم روشن آن روزگار بشمار میآمدند از علوم عقلی دست بر نداشتند و در برابر مجلسی و شیخ حر عاملی و محقق کرکی و جز آنان میر- داماد و صدرای شیرازی و ملا محسن فیض و مانند آنان مدارج عالی دانش های عقلی را پیمودند. باری روش تعلیم و تربیت بسیار سخت و مشکل بود و تنها کسانی که استعداد داشتند بسر منزل مقصود میرسیدند. کودکان تقریباً از بازی و تفریح ممنوع بودند و از صغر سن میبایستی کتب مشکل عربی را بخوانند و موضوعات مجرد را که فهم آن دشوار است به حافظه سپارند و همینکه بده دوازده سالگی رسیدند معمولاً خانواده خود را ترک کنند و بغربت روند، با فقر و مسکنت بسازند و سرما و گرما و گرسنگی را تحمل بنمایند و چشمان خود را فدای مطالعه در متون بد خط و حواشی پیچ در پیچ در روشنائی پیه سوز یا ماه کنند. با توجه بنوع تعلیم و تربیت، دانشمند داماد که هم از طرف پدر و هم از طرف مادر بادانش و

دانشمندان ارتباط داشته تحت تأثیر همان محیط قرار گرفته است. آموزش سخت و دشوار و تعصبا و فشار هاست که وی در نگارشها و عبارتهای مؤلفات خود نشان داده و دشوار نویسی را تا جایی رسانید که برای او داستانها و مضمونها گفته‌اند، بررسی و تحقیق در احوال و آثار دانشمندان نشان میدهد که برنامه تحصیلی و کتابهای درسی عصر صفویه بشرح زیر بوده است: کتاب شفا که بنا بنوشته صاحب ذریعه سید احمد عاملی بخش برهان آن را نزد داماد خوانده است، اشارات، قانون، اسباب، مفتاح العلوم، مواقف، و نیز برخی از آثار دانشمند داماد در روزگار خودش از برنامه‌های درسی بود مانند: السبع الشداد، الايقاظات، شرعة التسمیه و غیره. کتابهای فقه و اخبار و تفسیر این دوره به مؤلفات خاص شیعه در این دانشها اختصاص یافت، و خلاصه هدف برنامه تحصیلی در خانه و مکتب و مدرسه، ایجاد محبت نسبت بحضرت امیر (علی بن ابیطالب) و یازده فرزندش یعنی پیشوایان شیعه بود. و درین عصر فقه مذاهب چهارگانه از میان رفت. و تنها فقه شیعه بر اساس کتب اربعه حدیث مورد بحث و تحلیل قرار گرفت. این چهار کتاب که از پیش موجود بود عبارتست از:

۱- کتاب من لایحضره الفقیه تألیف محمد بن علی بن بابویه (م- ۳۸۱).

۲ و ۳- استبصار و تهذیب الاحکام تألیف محمد بن حسن طوسی

(م- ۴۶۰).

۴- کتاب کافی تألیف محمد بن یعقوب کلینی (م- ۳۲۹).

روزگار کودکی و دوران تحصیل: داماد که از خاندان علم و دانش بود از همان آغاز کودکی بکسب علوم اشتیاق ورزید و از خود لیاقت نشان داد، صاحب عالم آرا گوید: در صغر سن در مشهد مقدس معلی در خدمت مدرسان و افاضل سرکار فیض آثارا کتساب علوم نموده در اندک زمانی ترقی کرد. مع الوصف از دوران و آغاز تحصیل وی اطلاع -

کافی در دست نیست و همین قدر میدانیم که در سن کمتر از بیست سالگی اهل فضل بوده و با ارباب دانش رفت و آمد داشته چنانکه در مشرق الانوار خود را می ستاید :

بیست بود سال بدور قمر لیکن بدانش زخرد پیرتر

تقی الدین محمد بن شرف الدین علی حسینی در خلاصه الشعراء خود آورده که : داماد در کودکی در مشهد مقدس بکسب علوم اشتغال می ورزید و با صغر سن کتب مهم فلسفی چون اشارات و شفا را خواند و در فلسفه و دیگر علوم آثاری بوجود آورد و سپس در قزوین به تدریس اشتغال یافت و در آنجا به اردوگاه معلی آمد و از آنجا بکاشان رفت و چندی در آنجا ماند و سرانجام به اصفهان آمد و در آنجا رحل اقامت افکند .

اخلاق و رفتار : داماد بحدت فهم وجودت طبع اتصاف داشت و دارای حافظه ای قوی و فوق العاده بود و بطوری که نقل شده حافظه وی بمرتبه ای بود که از اول حال در مبادی نشو و نما هر نقد عیاری که به خازن طبیعت سپرده در حفظ آن شرط امانت بجای آورده فلسی از آن خازن طبیعت وقاد فیلسوف دوران فوت نشده است (عالم آراء عباسی) . وی در طاعت و تقوی و عبادت درجه عالی و رتبه بس متعالی داشته خلاصه اوقاتش صرف مطالعه و مباحثه و عبادات الهیه شده و در تعبدات بنهایت رسیده و قرآن مجید را بسیار تلاوت میکرده و در هر شب پانزده جزو قرآن میخوانده است . (به هدیه الاحیاب قمی و عالم آراء عباسی و قصص العلماء رجوع کنید) .

استادان - تا آنجا که بررسی شده از استادان میر داماد این چندتن را میشناسیم :

۱ - شیخ عبدالعالی کرکی که دایه داماد است و داماد از او اجازه

داشته، صدرای شیرازی در اسناد اجازه خود گوید: سیدی و سندی المسمی بمحمد والملقب بباقرالدماد..... عن استاده وخاله المکرم المعظم الشیخ عبدالعالی..... عن والده.

۲- فخرالدین محمد حسینی استرآبادی معاصر شاه تهماسب صفوی (۹۱۸ - ۹۸۴) : بنوشته اسکندر بیگ از بزرگان سماک استرآباد بود و از فحوای کلام وی مستفاد میشود که میرداماد مجلس درس او را دریافته ولی از لحاظ زمان هم طراز او نبوده است. وی را در مقابل محقق خفری محقق فخری می‌گفته‌اند.

۳- سید نورالدین بن علی ابی‌الحسن عاملی شاگرد شهید ثانی .

۴- از بررسی درپاره‌ای از کتابها مانند خلاصه الشعراء و ذریعه و فهرست دانشگاه بدست می‌آید که تاج‌الدین حسینی صاعد بن شمس‌الدین طوسی گویا از استادان محقق داماد بوده. داماد مقام او را بس بلند میدانسته و او را بسیار می‌ستاید، در میان مجموعه‌ای که اکنون در دانشگاه است داماد درباره او بعظمت و بزرگی یاد کرده است. (به کتاب مورد بحث و ذریعه ج ۷- و فهرست دانشگاه ج ۹ - ۸۰۴ رجوع شود).

۵- شیخ عزالدین حسین بن عبدالصمد پدر شیخ بهائی. شیخ اسدالله کاظمینی در مقایس گفته که داماد از مشارالیه اجازه داشته است. شاگردان - شاگردان داماد سه دسته تقسیم میشوند :

۱- گروهی از آنان بطوری شناخته شده‌اند که نیازی به معرفی ندارند

مانند مولی صدرای شیرازی و مولی خلیل قزوینی و چند تن دیگر.

۲- این گروه که گویا عده آنان از دو دسته دیگر بیشتر است کسانی هستند که در شهرت بیایه گروه نخستین نمیرسند ولی کم و بیش آثار و احوالشان در تذکره‌ها یاد شده است مانند مولی شمسی‌گیلانی و سید احمد عاملی و جز آنان.

۳ - این دسته کسانی هستند که یا شناخته نشده‌اند و یا اینکه اگر شرحی درباره آنان داده شده بقدری کوتاه است که بخوبی زندگی ایشان را روشن نمی‌سازد مانند میر منصور گیلانی و عبدالغفار گیلانی و جز ایشان؛ اکنون یکت فهرست اجمالی از شاگردانی که تاکنون شناخته‌ایم میاوریم ، سپس گزارش کوتاهی درباره دو سه تن از آنان در پایان می‌دهیم (برای آگاهی بیشتر از شرح حال و آثار آنان به کتاب مورد بحث مراجعه شود).

از شاگردان داماد افراد زیر را میشناسیم :

۱ - محمد بن ابراهیم معروف به ملا صدرا ی شیرازی

۲ - حسین بن حیدر کرکی مفتی سپاهان

۳ - سید احمد عاملی داماد و پسر دانی میر داماد

۴ - مولی خلیل غازی قزوینی

۵ - محمد حسن زلالی خوانساری

۶ - عادل بن مراد اردستانی

۷ - عبدالغفار گیلانی

۸ - سلطان العلما

۹ - میرزا شاهرخ بیکا وزیر و مطالعات فرنگی

۱۰ - شیخ عبدالله سمنانی

۱۱ - میر منصور گیلانی

۱۲ - امیر محمد تقی ابی الحسن حسینی استرآبادی

۱۳ - مولی عبدالمطلب بن یحیی طالقانی.

۱۴ - محمد حسین چلبی

۱۵ - ابوالفتح گیلانی

۱۶ - علی دوست بن محمد

۱۷ - سید امیر فضل الله استرآبادی

۱۸ - ملاشمسا گیلانی

۱۹ - نظاما احمد

۲۰ - قطب‌الدین اشکوری عارف

زبان و سبک نگارش

صاحب اعیان الشیعه گوید : او آثاری جاودانی در فلسفه و اصول دین و فقه و غیره دارد . وی در بعضی مؤلفاتش عبارات روان و بدون تعقید دارد ولی در برخی دیگر از مؤلفات عبارات معقد و پیچیده و گاه لغات و عناوین غریب و منحصر ب خود دارد .

محدث قمی گوید : آنکه در کلمات محقق داماد عبارات رشیقه و لغات غریبه غیر مأنوسه بسیار است و فهمیدن کلمات آنجناب هنراست چنانکه در یکی از مکاتیب خود برای بعضی از اجله علماء نوشته و من صورت آن مکتوب را نقل میکنم وی فرموده : عزیز من جواب است این نه جنگ است کلوخ انداز را پاداش سنگ است « رحم الله من عرف قدره و لم يتعد طوره » نهایت مرتبه بی حیائی است که نفوس معطله و هویات هیولانیه در برابر عقول مقدسه و جواهر قادسه بلاف گزاف و دعوی بی معنی برخیزند . اینقدر شعور باید داشت که سخن من فهمیدن هنراست نه با من جدال کردن و بحث نام نهادن .

خط و نشانیهای او : آنچه از خط او بنظر رسیده عبارت است از :

- ۱- جنگی در پیرامون مسئله‌های گوناگون در نزد یکی از فرزندان او که اکنون حیات دارد . در پایان هر یادداشت نشان م . ح . ق آورده است .
- ۲ - نسخه^{*} از اعتقاد الحکماء بخط میرداماد در اختیار پروفیسور هانری کربن میباشد .

۳ - اجازه او بسلطان العلماء و حاشیه‌های گوناگون برکنار کتابهای

ابن سینا که همه در کتابخانه مرکزی دانشگاه است و مادر معرفی آثار وی بیمارهای از آنها اشاره خواهیم کرد.

شخصیت علمی و اجتماعی : موقعیت علمی و اجتماعی میرداماد تا جایی است که میتوان درباره او رساله جداگانه‌ای نوشت .

آوازه دانش این فرزانه فیلسوف عصر صفوی نه تنها در میان خواص بلکه در عوام طنین انداز شد و سالهاست که او را ضرب‌المثل دانش قرار میدهند . وی در علوم معقول و منقول سرآمد روزگار خود گردید مجلس او ساحت آمال طلبه علوم و لمعات کوکب آفتاب مثالش بر همه کس تابید . در آغاز خراسان را برای کسب دانش انتخاب نمود و یکس چندی در آن نواحی به فراگرفتن علوم و فضایل اشتغال ورزید پس از تکمیل مراحلی به قزوین رهسپار شد و همواره در مسیر خود لحظه‌ای از مطالعه و مباحثه خالی و لمحهای اوقات شریف بی‌طالت نگذاشت پس از مدتی اقامت در قزوین عزم کاشان نمود و از آن طریق با صفهان وارد گردید و این در روزگار شاه عباس یکم (۹۸۵ - ۱۰۳۸) بود . او پس از ورود با صفهان مورد توجه شاه عباس و شاه صفی قسرا گرفت . داماد از مرگ شاه تهماسب (۹۸۴ - ۵) تا سال ۱۰۲۵ بمباحثه پرداخت و بیشتر آثار خود را در سالهای ۱۰۱۵ - ۱۰۲۵ نگارش داد . مدتی در اصفهان در محضر میر فخرالدین سماک استرآبادی کسب فیض نمود و با سایر دانشمندان و افاضل درگاه شاهنشاهی مباحثات و مذاکرات برقرار ساخت و با شیخ بهائی نیز آمیزش داشت . میر ابوالقاسم فندرسکی (۱۰۵۰) و میر محمد باقر طالبان استرآبادی با او معاصر بودند ، گاهی به نظم اشعار تمایل پیدامیکرد و اشعاری عربی و فارسی می سرود . وی در غزل و قصیده و مثنویات داد سخن داد و مثنوی را از حکیم نظامی پیروی نمود و مانند مخزن الاسرار او مشرق الاسرار ساخت ، از منظومات

خوب او این رباعی است که در نعت حضرت خاتم الانبیاء در رشته بلاغت انتظام داده :

ای ختم رسل دو کون پیرایه تست افلاک یکی منبر نه پایه تست
گر شخص ترا سایه نیفتد چه عجب تونوری و آفتاب خود سایه تست

داماد نه تنها در فلسفه بلکه در بیشتر دانشهای روزگار خود دست داشت. در علم لغت گوی از میدان صاحب قاموس و صحاح ربوده در علوم عربیت حیاضت از باب نموده و در فصاحت و بلاغت و انشاء عصر خود سرآمد اهل زمان و در حدیث و فقه فایق بر همگان و در عالم رجال از اکامل رجال و در عالم ریاضی بجمع اقسام مفرد و وحید، در مقال و در اصول حلال عویصات و اعضاء و در علم تفسیر قرآن اعجوبه زمان بود و در همه آنها کتاب یا رساله نگاشته و از اینرو آن جناب خود را معلم میدانسته، وی درباره‌ای از تالیفات فارابی و ابن سینا را بعنوان (قال شریکنا فی التعلیم و قال شریکنا فی الریاسة) و بهمینار را بعنوان (قال تلمیذنا بهمینار) میآورد. گویند که داماد به ملا عبدالله تونی گفته که امروز بر علما فخر کن و بگو کلام میر را فهمیدم و همیشه میگفته که بعد از من این عرب-بچه (یعنی شیخ بهائی) خواهد میدانی واکرد. گفته شده که شاه عباس از میر داماد خواهشمند شد که فکری کرده تا طریق موم و عسل نمودن زنبور محسوس شود. میر گفت که برای مگس خانه‌ای از شیشه بنا کردند و مگس را در آن شیشه جای داد و در میان مجلس گذاشتند تا ببینند که چه میکند ناگاه شیشه را تار کرد و مشغول بیتوت و عسل گردید و این مجهول بمجهولیت باقی ماند. برخی درباره او نویسنده که او از با هوش ترین برگزیدگان علوم اصول و فروع بود شاه عباس از وی میترسید که مبادا بروی بشورد و چند بار خواست که او را آزار کند ولی نتوانست، میر داماد بارها با شاه صفی بنجف رفت و در آخرین سفر که در سال ۱۰۴۱ واقع شد در

میان راه کربلا و نجف درگذشت. از بررسی گزارش‌هایی که درباره داماد داده شده بخوبی بدست می‌آید که موقعیت اجتماعی او نیز فوق‌العاده بوده محبوبیت بیش از حد تصوری که داماد بدست آورده شاه عباس و دستگاه با عظمت او را بر این داشت که از او ملاحظه کنند. فلسفه توأم با دانش - های گوناگون اسلامی و اخلاق و رفتار و تربیت مذهبی و مؤدب بودن به آداب دینی دانشمندان روزگارش را بر این داشت که در مقابل او خضوع نموده و بجلال و عظمت او معترف گردند و هرگاه سخنی بگویند پسند خود قرار دهند و فتاوی را بامضاء و تصحیح او رسانند و در اصول اعتقادی و علمی او را بزرگترین مرجع دانند بویژه که مفتی سپاهان از شاگردان او بوده است.

شرح مؤلفات و آثار میر: در خصوص آثار دانشمند داماد استر - آبادی چنانکه اشارت رفت فهرست تحقیقی و جامعی تا کنون جمع آوری نشده است و در هر کتاب یا فهرستی که از او ذکر شده برخی از آثار او را آورده - اند که گاه خالی از لغزش نبوده. نگارنده در کتاب مورد بحث فهرستهای متعدد موضوعی و انتقادی با استناد بفهارس و کتب رجال و مصنفات شخص میر داماد را آورده‌ام و درباره یکایک آنها بتفصیل از لحاظ موضوع و نحوه کتابت و سبک نوشته و مطبوع و مخطوط بودن نسخه‌های موجود و سایر خصوصیات بررسی کرده‌ام. در اینجا با اختصار فهرست الفبایی آثار میر را اعم از کتاب و رساله و اجازه و غیره می‌آوریم. و آنگاه فهرست موضوعی آثار او را با اشاره بپاره‌ای از خصوصیات هر یک نقل می‌کنیم و برای تفصیل بیشتر باید بخود کتاب بخش مؤلفات میر مراجعه شود. بی‌گمان چون نقد آثار میر سابقه نداشته فهرستهای مذکور در کتاب جامع ترین مأخذ برای آگاهی بر مؤلفات میر است.

فهرست آثار به ترتیب حروف.

- اثبات علم باری (رساله فی . -)
 اثبات ولایت خاصه علی ، ع (بدون استناد به ادله نقلیه)
 اثنی عشریه = عیون المسائل دیده شود
 اجازه^۱ میرداماد به سید حسین بن سید حیدر کرکی
 اجازه^۲ میرداماد به میر سید احمد داماد خردش
 اجازه^۳ میرداماد به خلیفه سلطان
 اجازه^۴ میرداماد به شیخ محمد گنابادی خراسانی
 اجازه^۵ میرداماد به شیخ عبدالله سمنانی
 اربعة ایام - استدلال بروجود ذهنی - اصول دین و فقه (رساله ...)
 الاعضالات العویصات .
 الافق المبین - امانت الهی - الانموذج - الایقظات - الایماضات
 و التشریقات .
 ب - برهان اسد و اخصر فارابی (رساله فی ...)
 ت - تاویل المقطعات
 تحقیق مفهوم الوجود
 تشریح الحق شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 تعلیقات اصول کافی = رواشح سماویه
 تعلیقه من لایحضره الفقیه
 تفسیر سوره^۱ اخلاص = شرح حدیث تمثیل علی بسوره توحید
 تفسیر قرآن = سدره المنتهی دیده شود
 تقدمة تقویم الایمان
 تقدیسات = عرش التقدیس
 خلصة المکوت
 الخلعیه

تقریظ بر شرح تقویم الایمان میرسید احمد عاملی

تقویم الایمان

توحید (رساله فی ...)

التولا والتبراً

ج - الجبر والتفویض (رساله فی ...)

الجدوات

الجمع و التوفیق بین رایى الحکیمین فی حدوث العالم

جنگت

جواب امیر ابو الحسن فراهانی

جیب الزاویه

ح - حاشیه تقویم الایمان و ...

حاشیه جمع و توفیق بین رایى ...

حاشیه حاشیه شرح تجرید ظاهراً حاشیه ایست بر حاشیه خفری

بر تجرید. رجوع بفهرست مجلس ج ۵ ص ۱۲۱ و ۱۳۹ شود.

حاشیه رجال کشی

حاشیه شرح مختصر عضدیهات فرنگی

حاشیه شفا

حاشیه صحیفه سجاده

حاشیه مختلف الشیعه

الجبیل المتین

حدوث العالم (رساله فی ...) = الجمع و التوفیق

الحرز الحارز

خ - خطبه نکاحیه

خطبه جمعه و جماعت

خلق الاعمال

د - درة البيضاء

دوازده امام

ديوان شعر

ر - رد اثبات الواجب

ردالا نموذج دواني

رسالة في فنون العلم و الصناعات

رسالة في صيغ العقود

رسالة في تنازع الزوجين

رسالة في ان المتسبب بالام كان سيداً

الرضاعيه = ضوابط الرضاع

الرواشح السماويه

س - السبع الشداد

سدره المنتهى

ش - شارع النجات

شرح الاستبصار في مشاهير علوم انساني ومطالعات فريبنجي

شرح حديث انما الاعمال بالنيات

شرح حديث تمثيل علي بسورة التوحيد

شرح صحيفه كامله

شرح نجات ابن سينا

شرعة التسمية

ص - الصراط المستقيم

صلاة الجمعة

ض - ضوابط الرضاع

ع - عرش التقديس = تقديسات

علم الواجب

عيون المسائل

ف - فضيلة سورة توحيد = شرح حديث تمثيل على بسورة التوحيد

ق - قانون العصمة

القبسات

قضاو قدر

قضيات

ل - اللوامع الربانية

م - مشرق الانوار (مثنوى او)

المعلقات على تقويم الايمان

المناهج السوية

المنطق

ميزان المقادير

ن - نامه به اعتماد الدولة العباسية

نامه به مولى عبدالله شوشترى

نامه به شريف منجه

نامه به اسعد الدين محمد پادشاه روم

نبراس الضياء فى تحقيق معنى البداء

الوضوء والصلوة

فهرست موضوعی

۱ - فلسفه و کلام

الاعضالات العشرینة الاق المبین انموذج العلوم
 الايقاظات الايماضات والتشريفات تعليقة تقويم الايمان تقدمه
 تقويم الايمان تقويم الايمان جذوات
 جواب بابوالحسناء فراهانی حدوث العالم خلق الاعمال
 شرح تقدمه تقويم الايمان شرح حديث تمثيل على بسورة التوحيد
 الحبل المتين حاشیه شفا صراط المستقیم فی ارتباط الحادث بالقديم
 عرش التقديس قسات نبراس الضياء

۲ - رياضيات

انموذج العلوم جيب الزاوية الاعضالات العشرینة

۳ - فقه

حاشیه مختلف الشيعة رسالة فی تنازع الزوجين... رسالة فی
 ان المنتسب بالام كان سيداً شرعة التسمية صلوة الجمعة (رسالة
 فی) شارع النجاة ضوابط الرضاع عيون المسائل حاشیه
 من لا يحضره الفقيه حاشیه شارع النجات حاشیه استبصار شرح
 استبصار

۴ - درايه و اجازات

اجازه به سلطان العلماء اجازه به سيد احمد عاملى اجازه به
 ميرزا شاهرخ بيگا اجازه به سيد حسين بن حيدر كركي
 تقریظ كشف الحقائق .
 حاشیه رجال كشي حاشیه استبصار شرح استبصار حاشیه

۵ - ادبیات و منشآت و نامه‌ها

دیوان اشعار مشرق الانوار نامه به شوشتری

ادعیه و اذکار اربعة ایام التولا والتبرا

۷ - منطق

رد انموذج العلوم دوانی در مسئله نهم (منطق) رساله فی المنطق

۸ - تفسیر و علوم قرآن امانت الهیه تاویل المقطعات

تفسیر سوره اخلاص سدره المنتهی

۹ - اصول فقه

حاشیه شرح مختصر العضدیه السبع الشداد

۱۰ - احادیث و اخبار :

الرواشح السماویة شرعة التسمیة حاشیه کافی حاشیه

من لایحضره الفقیه شرح استبصار حاشیه استبصار شرح

حدیث تمثیل علی بسوره التوحید

شرح حدیث نیه المؤمن

فهرست الفبایی آثار چاپ شده میرداماد

۱ - الاعضالات العشرینیة = الاعضالات العویصات باسبع

شداد در سال ۱۳۱۷ (فهرست مشار - ۷۱)

۲ - الایقاظات

در حاشیه قبسات در سال ۱۳۱۵ چاپ شده (فهرست مشار -

(۱۰۹

۳ - الایماضات (فهرست مشار - ۱۰۹)

۴ - الجذوات در سال ۱۳۰۲ در بمبئی چاپ شده

۵ - الجمع و التوفیق بین رأیی.... در سال ۱۳۱۵ در حاشیه قبسات

چاپ شده در صفحه‌های ۱۴۹ - ۱۵۸

- ۶ - حاشیه بر شرح صحیفه سجادیه
در سال ۱۳۱۷ با شرح سید نعمه الله جزایری و شرح مختصر فیض
کاشانی و حدیقه الهلالية در تهران
- ۷ - حاشیه صحیفه سجادیه
در سال ۱۳۱۶ با نور الانوار سید نعمه الله جزایری بطبع رسیده
- ۸ - خلسه (فهرست مشار - ۳۳۷)
۹ - خلعیه در سال ۱۹۵۶ بادیباچه و ترجمه فرانسه بکوشش هنری
کربن در یاد نامه ماسینیون بچاپ رسیده
- ۱۰ - دیوان اشعار در اصفهان سال ۱۳۳۹ در ۷۸ صفحه بطبع
رسیده

- ۱۱ - الرواشح السماویة (فهرست مشار - ۴۹۲)
۱۲ - السبع الشداد در تهران سال ۱۳۱۷ با حواشی میرداماد و با
اعضالات العشرینیة
- ۱۳ - ضوابط الرضاع در سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۵ با چند رساله
رضاعیه

- ۱۴ - قیسات (فهرست مشار - ۱۰۹)
۱۵ - مشرق الانوار مثنوی او بادیوان در اصفهان سال ۱۳۴۹
۱۶ - میزان المقادیر در بمبئی سال ۱۸۹۴ - م

فهرست آثار فارسی :

- اربعة ایام امانت الهیه الجذوات دیوان اشعار
مشارع النجاة مشرق الانوار (مثنوی)

۰۰۰

در تکمیل فهرستهای مختلفی که باختصار از آثار میرآوردیم لازم
مینمود که چند اثر از تألیفات صاحب ترجمه را مورد نقد و تحلیل قرار

دهیم تا اگر همانطور که بنظر نگارنده رسیده در پارهای از کتب تراجم احوال در معرفی آن مؤلفات لغزشهایی رویداده بر طرف گردد. هشت کتاب از تألیفات وی را بترتیب حروف بشرح زیر بررسی میکنیم :

اربعه ایام : میرداماد گویا در این رساله که بفارسی نگارش داده است از دعاها و ذکرها و کارهایی که در چهار روز پسندیده سالک از امامان رسیده است گفتگو میکند - این رساله گویا همان «دره البیضاء» محقق داماد باشد که در ادعیه و اذکار روزهای معینی است و در برخی از فهراس دیده شده و مادر جای خود آنرا نام میریم. محدث قمی در «فوائد الرضویه» گوید: «و از جمله کتب او است (داماد) رسالهٔ اربعه ایام و در آن زیارت جوادیهٔ معروفه را برای حضرت امام رضا (ع) باختلاف جزئی نقل کرده و فرموده که: این زیارت از مولائی ما امام کل عاکف و ... جعفر الثانی محمد بن علی الجواد علیه الصلوٰة و التسلیم مروی است». و در اعمال روز دحو الارض ۲۵ ذیقعده فرموده که زیارت حضرت امام رضا (ع) در این روز افضل اعمال مستحب و آكد آداب مننونه است و هم چنین زیارت آنحضرت در روز اول ماه رجب الفرد نیز بغایت مؤکد و محثوث علیه است. (تا اینجا عبارت اربعه ایام بود که محدث قمی آورده) و نیز فرزند محدث قمی (علی بن عباس) در پاورقی ص ۴۲۷ همین کتاب مینویسد محقق داماد در کتاب اربعه ایام خود گفته: (عبارت اربعه ایام) که پادشاه غفران دستگساره رضوان آرامگاه شاه تهماسب حفه الله بر حمته و غفرانه سایر عیدها را بروز عید غدیر موقوف میداشت و در روز عید غدیر جشنی عظیم موافق شرع مقدس می آراست و مجتهدین مذهب و علماء دین را در این روز بخلعتهای فاخره و بانعامات و افره مخصوص میساخت و امراء و وزراء و ارکان دولت قاهره را مناصب و مراتب میافزود و فقیرسه عید غدیر را در مجلس همایون آن پادشاه دین پناه مغفور مسرور انداز کرده ام (فوائد الرضویه ص ۴۲۲

و ۴۲۷) صاحب ذریعه گوید: استاد ماحاجی نوری در کتاب «سلامة المرصاد» خود در باب عاشوراء کلامی از کتاب اربعة ایام میر داماد آورده است (ذریعه ج ۱ - ۴۰۷).

نسخه ها : ۱ - صاحب ذریعه آورده: نسخه‌ای از این کتاب را استادش حاجی نوری دارا بوده یا دیده و از آن نقل کرده است. و خود صاحب ذریعه نیز نسخه‌ای از آنرا در کتابخانه حاج شیخ محمد سلطان‌المتکلمین در تهران دیده است.

الافق المبین : محقق داماد در این کتاب بروش خود از دهر و زمان و وجود کاوش نموده و بنا بر نوشته عالم آرا پیش از ۱۰۲۵ تألیف شده است. در ذریعه کتاب افق مبین دیگری در فقه آورده و گمان کرده که باید از آن میرداماد باشد ولی ما پس از بررسی و شناختن آغاز آن دانستیم که افق مبین در فقه همان عیون المسائل سید داماد است. ذریعه در جای دیگر خلعیه^۱ در صلوة معرفی کرده که آن نیز همان عیون المسائل است زیرا در بیان دوازده مسئله فقهی گنتگو میکند (اثنی عشریه) و آغاز آن با آغاز عیون المسائل مطابقت دارد. بنابراین آنچه را آقای منزوی در پاورقی آورده از جهت اینکه احتمال صاحب ذریعه را درباره^۲ افق مبین فقه زائد دانسته بجا ولی در اینکه کتاب فقهی بنام خلعیه از آثار محقق داماد باشد مورد تردید است زیرا صاحب ذریعه این خلعیه فقهی را در نسخه کتابخانه محیط دیده که در آن نام کتاب نیامده جز اینکه محقق داماد بر پشت آن نام خلعیه آورده است و باین مناسبت صاحب ذریعه مشارالیه جمله (هنده خلعیتی) را که در اجازه آمده است، نام این کتاب فقهی که بدون نام بوده دانسته و آنرا بنام خلعیه در فقه معرفی کرده است (برای آگاهی بیشتر رجوع شود به ذریعه ج ۲ - ۱۶۱ و ج ۷ و ج ۱۵). کتاب افق مبین دارای عنوانهای خاصی است که داماد آنها را در دیباچه آن باین ترتیب آورده است این کتاب در دو

صرحه و هر صرحه مشتمل بر (مساقه ها) یا (سیاقه ها) و (فصل ها) .
 نخستین صرحه در حکمت مافوق الطبیعه و نخستین مساقه ایسن
 صرحه دربارهٔ مقدمات و مبادی فلسفه اولی و فصل اول آن در تعریف
 فلسفه اولی است . در فهرست دانشگاه دربارهٔ آن چنین آورده : یکی از
 نگارشهای فلسفی میرداماد «الافق المبین» است که در آن از وجود و زمان و
 دهر سخن رانده بنوشته عالم آراء پیش از ۱۰۲۵ نگاشته است و در دو صرح که
 هریکی چند مساقه و هریکی از آنها هم چند فصل و هر فصلی چند عنوان
 است میباشد وی در چهار جای این کتاب از «الصراط المستقیم» خود یاد
 میکند و مساقه ششم صرحه اولی زیر عنوان (اعضاء طاح و مخرج ضاح)
 (۳۳۸ الف) که از تناهی زمان سخن میراند. عبارتی می آورد که تا اندازه‌ای
 روشن میشود که داماد افق مبین را پس از «الصراط المستقیم» نوشته و بیش از
 سی سال داشته . وی در این کتاب از جزئیات و فروع یاد نمیکند و آنرا
 بفیلسوفان آینده محول میسازد .

الایقظات : دانشمند داماد استرآبادی در ایقظات از خلق اعمال

و افعال بندگان و جبر و اختیار در شش ایقظ سخن گفته و در آغاز آن گوید
 مادر کتابهای فلسفی خود در این باره سخن بدرازا آورده ایم آنگاه از کتاب
 دیگر خود «الرواشح السماویه» یاد میکند. صاحب ذریعه (ج ۷) دربارهٔ
 رساله «خلق الاعمال» داماد آورده که سید داماد در این کتاب تفصیل در مقام
 را بکتاب فلسفی و «الرواشح السماویه» خود ارجاع داده آنگاه گوید این «خلق -
 الاعمال» جز «ایقظات» او است ، ذریعه رساله دیگری از داماد بنام «القضبات» یاد
 میکند (ذریعه ج ۱۷ - ۱۵۵) ولی تا آنجا که ما بررسی کردیم گویا داماد
 استرآبادی دربارهٔ «خلق الاعمال» همین «الایقظات» را نوشته و رساله‌های
 «خلق الاعمال» و «القضبات» که در ذریعه آمده جز «الایقظات» رساله دیگری
 نمیباشند زیرا نشانیایی که در ذریعه داده و آغاز یکه از آنها در فهرستهای یاد

شده با آغاز و نشانیهای «الایقاقات» مطابقت دارد علاوه بر این صاحب عالم آرا گوید «خلق الاعمال» داماد به ایقاقات موسوم است و پیش از ۱۰۲۵ تألیف شده است.

آغاز: الحمد لله رب العالمین حق حمده ... و بعد، فلقد سألتنی أفاض الله تعالى علیک ... عن مسألة خلق الاعمال .
انجام: فهذا اقصى امد الفحص والتحقیق و الحمد لله ... حق حمده .

الخلسات و الخلعیات : در میان آثار محقق داماد بخش های کوتاهی

بنام خلسه و خلعه نام برده شده که در آنها از خوابهایی روحانی و رفتن بجهان روشنایی و الهام گرفتن از ارواح مقدسه و سیر و سلوک و مانند آن سخن بمیان آمده و اینک آنچه از این رساله ها دیده ایم میشناسیم :

۱- الخلعیة - خلسه ایست از محقق داماد که بنا بر آنچه در آن یاد شده در رمضان ۱۰۱۱ در قم واقع شده است . محدث قمی در فواید الرضویه تمام این خلسه را آورده و آنرا بنام « حرز » یاد میکند و درباره آن چنین میگوید : در مجموعه معتبری این حرز شریف را دیدم که آنرا سید عبد الحسیب که از اولاد میرداماد است از روی نسخه ای که بخط محقق داماد نوشته بوده استنساخ کرده است (فواید الرضویه - ۴۲۴) .

آغاز: و من لطایف ما اختلسته و اختطفته من فیوض الربانیة و المن السبحانیة ... حیث کنت بمدينة الایمان حرم اهل بیت رسول الله ... قم المحروسة صینت عن دواهی الدهر و نوائبها فی بعض ایام شهر الله الاعظم لعام ۱۰۱۱ انه قد غشنتی ذات یوم من تلک الایام فی هزیع بقی من النهار سنة شبه خلسة .

انجام: ولقد کانت هی الحیوة الصرفة و ماعد الاقوام حیوة فوی موة بالنسبة الیها و کتب الاحرف حکایة و عبارة عنها بنان یمناه الفارقة

الدائرة محمد بن محمد يدعى الباقر الداماد الحسنی ختم الله بالحسنی
فی داریه .

نسخه ها : ۱ - نسخه ایست بخط ابوالفتح گیلانی که از روی خط
محقق داماد نوشته در میان مجموعه ۱۸۳۷ که در فهرست دانشگاه معرفی
شده و دهمین شماره مجموعه (ص ۴۶۴ - ۴۶۵) است . این مجموعه را
کاتب برای کتابخانه سلطان العلماء نوشته و در کنار این رساله حاشیه‌هایی
بخط میرداماد نوشته شده است (فهرست دانشگاه ج ۸ - ۴۳۱) .

۲ - خلعیه = خلسه

خلعیه^۱ دیگر است از میرداماد که در جمعه چهاردهم شعبان ۱۰۲۳
واقع شده و در فهرست دانشگاه از آن چنین یاد میکند : الرسالة الخلعیه
القدسیه الملکوتیه الباقریه از سید داماد و خلسه ایست از او مورخ ۱۴
شعبان ۱۰۲۳ و هنری کربن آنرا در یاد نامه ماسینیون (چاپ ۱۹۵۶ دمشق
۱ : ۳۷۸ - ۳۳۱) با دیباچه و ترجمه و شرح و شرح آن بفرانسه از روی
همین نسخه و نسخه^۲ مجلس و محبوب القلوب و اجازات بحار (ص ۱۲۶ -
۱۲۷) بچاپ رسانده است در ذریعه (۷ - ۲۴۱) تاریخ آن آدینه ۱۶ شعبان
۱۰۲۳ آمده و دارد که آن در سلافة العصر ص ۴۸۷ بچاپ رسیده مؤلف فهرست
افزوده است که در ذریعه از خلعیه^۳ دیگر داماد که در طهارت و صلوة بروش
عرفانی نگارش یافته نام برده شده است . ولی ما در هنگام معرفی عیون المسائل
می بینیم که این خلعیه باید همان عیون المسائل باشد زیرا در یک موضوع
و یک ترتیب و آغاز هر دو بنا بر آنچه نقل شده یک است ولیکن نام (خلعیه)
فقط در اجازه ای که از سید داماد بر پشت این رساله در نسخه^۴ موجوده در
کتابخانه^۵ محیط دیده شده یاد گردیده است و ما تا کنون موضوع و آغاز و
انجام این رساله ها را یکی می شناسیم : عیون المسائل ، الاثنی عشریه ، خلعیه
فی الصلاة ، الاق المبین فی الفقه

آغاز : الحمد لله رب العالمین و صلواته علی سیدنا محمد و آله الطاهرین و بعد انی ذات یوم شهدنا هذا و قد کان یوم الجمعة رابع عشر شهر رسول الله شعبان المکرم لعام ۱۰۲۳ .

انجام : رجعت الی ارض التبار و کوره البوارو بقعة الزور و قریة الغرور .

نسخه ها :

۱ - نسخه ایست در میان مجموعه ۱۸۳۷ فهرست دانشگاه که بخط ابوالفتح گیلانی از روی خط داماد است و چهارمین رساله مجموعه (۲۵۶ - ۲۵۷) و برکنار آن حاشیه هائی با نشان (منه مدظله) دارد . (فهرست دانشگاه ج ۸ - ۴۳۲) .

۲ - نسخه ایست در میان مجموعه ۱۸۰۳ فهرست مجلس شورای ملی و شماره ۱۸ - مجموعه (۲۵۳ - ۲۵۵) است (فهرست مجلس ۹۱۱ - ۳۰۳) .

۳ - نسخه ایست در میان مجموعه ۳۱۵۲ فهرست دانشگاه که در قرن سیزده و اوائل قرن چهارده نوشته شده و ش ۷ مجموعه (۱۱۱ - ۱۱۲) است .

خلصة الملکوت : خلصة الملکوت یکی از نگارشهای فلسفی محقق داماد است که آنرا در ۱۰۲۰ تألیف نموده است . در ذریعه (ج ۷ - ۲۴۰) از کلمات الشعراء آورده که محقق داماد خلصة الملکوت را پایان رسانیده به نزد شاه عباس برد در مجلسی که اعتماد الدوله حاتم بیگ نیز حاضر بود . شاه به حاتم بیگ گفت که ماده تاریخی برای خلصة الملکوت بسازد . حاتم بیگ از محقق داماد پرسید که این کتاب درباره چه دانشی گفتگو میکند . داماد پاسخ داد (در کل علوم) پس حاتم بیگ بداهة این ماده تاریخ را آورد (کل علوم از خلصة ملکوتیه بدررود) که چون عدد جمله (کل علوم =

۱۸۶) را از عدد جمله (خلسه ملکوتیه = ۱۲۰۶) بیرون کنیم میماند عدد ۱۰۲۰ که تاریخ تألیف است. تیز هوشی حاتم بیک حاضران مجلس را بشگفت آورد. مخفی نماند با آمدن این تاریخ تألیف برای خلسه الملکوت دیگر جای این نیست که این کتاب همان رساله های خلسه و یا خلعبه باشد زیرا آندو رساله در تاریخهای ۱۰۱۱ و ۱۰۲۳ تألیف شده و کوتاه میباشند. خلسه الملکوت در حاشیه قیسات در ۱۳۱۵ بچاپ رسیده است.

عرش تقدیس : از بررسی در آثار و احوال محقق داماد بدست میآید که رساله او بررد شبهه ابن کمونه، تقدیسات یا عرش تقدیس نام دارد که داماد آنرا پیش از ۱۰۲۵ نوشته است. فهرست دانشگاه کتاب عرش تقدیس را چنین تعریف میکند : این نگارش از میر داماد است و در آن شبهه ابن کمونه که : (شاید در جهان هستی دو آفریننده بی هیچ قدر مشترکی باشند) رد شده و میگوید که پیش از این کمونه هم بگشودن این شبهه پرداخته بودند سپس میگوید که برخلاف رای شیخ علت و معلول باید تنها در وحدت و کثرت همانند باشند نه در نحوه وحدت شخصی و نوعی و میشود یک چیز دارای دو علت باشد و این انعکاس تنها در علت آفریننده بایستی است. و نیز در پاورقی که مربوط باین کتاب است نوشته : داماد در آغاز از خود ستوده و میگوید که خدا مرا بر همسرانم برتری داد که فلسفه را پخته و ساخته ساختم و آنرا باین سازگار کردم. آنگاه زیر عنوان (الخاذه) شبهه ابن کمونه را رد میکند و در عنوان (تشریح) اثبات میکند که علت و معلول باید در وحدت و کثرت همانند باشد پس از این تشریح دوم میآید و نسخه پایان میابد و ناقص است این رساله را داماد بدرخواست یاران از نگارشهای خویش گزین نمود :

عیون المسائل : دانشمند داماد استرآبادی در راسحه پانزدهم کتاب «الرواشح السماویة» خود از کتاب «عیون المسائل» یاد میکند این کتاب درسه

مبحث صلوة و طهارت و عبادت سخن گفته و بنا بر نوشته عالم آرا پیش از ۱۰۲۵ تألیف شده است در ذریعه (ج ۲ - ۲۶۱) کتابی فقهی در طهارت و صلوة بنام «الافق المبین» یا «الصراط المستقیم» آورده و گوید مؤلف آن شناخته نشد جز آنکه از روی سبک نگارش میتوان آنرا بمیر داماد نسبت داد. سپس گوید دور نیست که داماد در فلسفه و فقه دو کتاب بیک نام نگاشته باشد آنگاه آغاز آنرا میآورد و در ج ۷ (ص ۲۴۱) کتاب فقهی دیگر بنام خلعبه معرفی میکند که در آن نیز پیرامون دوازده (الاثنی عشریة) مسئله فقهی از صلوة و طهارت و جز آن گفتگو شده آنگاه همان آغازیکه در افق مبین فقه آورده بود باز میآورد و در پاورقی آن آقای متروی نظر داشتند که ما در ضمن معرفی «الافق المبین» آنرا آوردیم، پس از نگرستن به معرفی «عیون المسائل» ذریعه (ج ۱۵ - ۳۸۲) باز آغاز افق مبین فقه و خلعبه را آنجا دیدیم و یافتیم که باید این سه کتاب یک کتاب باشد و چیزیکه سبب پیدا شدن این نامها گردیده نسخه های گوناگون بوده که یا بطور کلی نامی در آن دیده نشده و یا کاتب و ناسخ نام جعلی بر آن نهاده است.

هنگام بررسی فهرستهای دانشگاه با نام یک اثر فقهی دیگر از داماد آشنا شدیم و اینک گزارش آنرا میآوریم: در فهرست دانشکده حقوق (ص ۲۳۰) آمده: الاثنی عشریة از سید محمد باقر داماد استرآبادی است و چند مسئله فقهی و فلسفی در آن است. مخفی نماند که اثنی عشریه ای که در دانشکده حقوق آمده ناتمام است و فقط درباره چند مسئله فقهی گفتگومی کند بنابراین اینکه مؤلف فهرست افزوده (و چند مسئله فلسفی) جای نظر است و باید آن چند مسئله فلسفی بخشی از رساله دیگر باشد و یا اینکه داماد مسئله های فقهی را از نظر فلسفی نیز بحث کرده باشد علاوه بر این مؤلف این فهرست گوید اثنی عشریه دانشکده حقوق مانند اثنی عشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه دارای پنج مسئله از مسئله های فقهی است و در فهرست دانشگاه

(ج ۸-۴۳۱) کتاب فقهی بنام «عیون المسائل» یا «الاثنی عشریه» یاد شده که آغاز آن با «عیون المسائل» ذریعه یکیست و متأسفانه ناتمام است و فقط از آغاز تا مسئله پنجم را دارد. پس از این بررسی و تطبیق نشانها و آغاز هادانستیم که کتابهای «الاثنی عشریه»، «الافق المبین» فقه، «خلعیه فی الصلاة» همان «عیون المسائل» است و سبب این نامگذاریهای گوناگون در هم بودن نسخه‌ها است.

قبسات: مشهورترین اثر میر داماد

میر داماد در این کتاب پیرامون حدوث و قدم عالم سخن گفته و در آن اندیشه نوین فلسفه (حدوث دهری و سرمدی) خود را پابرجا نموده است. وی در دیباچه قبسات گوید یکی از یاران از من خواست تا در این مشکل (حدوث و قدم عالم) که دلاینها و برهانهای گوناگون متناقض بر آن آورده شده و ابن سینا در باره آن گفته که مسأله حدوث و قدم عالم از هر دو سو جدلی بوده و برهان پذیر نیست - اندیشیده و نظر خود را باز گویم. سید داماد قبسات را در ۱۰۳۴ پبایان رسانیده و جمله «کوکب الحق و امض» ماده تاریخ فراغت است در صورتیکه قاف کلامه حق بدون شده (یک قاف) در حساب بیاید. عبارت یاد شده بخشی است از یک بیت از شعرهایی که مؤلف بمناسبت پایان یافتن قبسات سروده و در آخر آن ثبت کرده که اکنون مینگرید.

کتاب کنور بنافی سماء	حوی کل باب من العلم غامض
اذا كنت للحق تبغی سیلا	فها طود برهانه فیه ناهض
فانشئت ورخ علی لمح و امض	وان شئت قل کوکب الحق و امض

قبسات در سال ۱۳۱۵ در ایران بمباشرت و کوشش شیخ محمود بروجردی با چندین رساله دیگر از مؤلف و دیگران بچاپ رسیده.

آغاز : الحمد لله الواحد الاحد الصمد المصمود مهيمن كل وجود و
جاعل كل موجود .

انجام : و سقیاه علی النصب الاعلی حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً داعياً
آملاراجیاً و الحمد لله حق حمده (به : الذریعه ج ۱۷ - ۳۲ و کشف -
الحجب ذیل کشف الظنون (فلوگل ۶۷) فهرست مجلس شورای ملی ج ۴ -
۱۹۷ و ج ۵ - ۴۲۸ رجوع کنید) .
نسخه های خطی :

۱ - نسخه ایست در کتابخانه مدرسه سپهسالار بخط عبدالمطلب بن
شاه منصور یزدی که آنرا در سال تألیف ۱۰۳۴ نوشته و برکنار این نسخه
حاشیه هایی با نشان (منه مدظله العالی) آمده است . (ذریعه ج ۱۷ - ۳۲)
۲ - نسخه ای از قبسات به خط صدرای شیرازی در نزد صاحب
روضات بوده و در روضات از آن یاد میکند و میگوید : حاشیه هایی از ملا
صدرای شیرازی بخط خودش در این نسخه نوشته شده و این هنگامی بوده
که صدری قبسات را نزد داماد میخوانده است (ذریعه ج ۱۷ - ۳۲) .

بررسی چند مسئله عقلی از نظر میرداماد

۱- **دهریا حدوث دهری :** چنانکه میدانیم در باب حدوث و قدم
جهان میان صاحب نظران اختلاف است . متکلمان جهان را حادث میدانند
و در اثبات عقیده خود به « موهوم بودن زمان » استناد می نمایند ابن سینا
و پیروانش حادث و قدیم بودن جهان را از هر دو سو جدلی میدانند و اقامه
برهان بر اثبات یکی از طرفین مسئله را غیر ممکن می شمارند . محقق داماد
اثبات حادث بودن جهان را از روی برهان وجهه همت خویش قرار داده و
در بیشتر مصنفات فلسفی خویش به بررسی آن می پردازد و اساس عقیده

خود را بوجود دهری یا حدوث در دهر استوار میسازد. میر این مسئله بخصوص را موضوع کتاب قبسات خود قرار داده و آن را از تمام جهات در آن کتاب بررسی کرده است.

محقق داماد در مقدمه این کتاب می‌گوید: کتاب را بخواهش یکی از دوستان در خصوص حل مسئله «قدم و حدوث عالم» که یکی از مشکلات عویصه است تصنیف کردم، در ضمن بیان اقوال مختلف و تحقیق آنها نظر خود را دربارۀ آن موضوع بیان داشتم. وی ابتداء قول شیخ الرئیس ابن سینا را بنقل از تألیفات او که موضوع قدم و حدوث عالم را از هر دو سوی جدائی میداند؛ و امکان اقامه برهان عقلی را بر اثبات یکی از طرفین مسئله منتفی میداند بیان میدارد؛ و سپس بذکر اقوال دیگر فلاسفه و اهل کلام که همه در حل این مشکل عویص حیرانند می‌پردازد آنگاه گفته: ابوالبرکات که آنرا مؤید مدعی خود یعنی اثبات حدوث دهری میداند، می‌آورد و سپس موضوع بحث و نزاع را معلوم داشته و اقسام حدوث و قدم را ذکر می‌نماید. خلاصه آنکه در قبسات اول ابتدا اقوال دیگران را که مؤید خود میداند می‌آورد و در ضمن به پاره‌ای از آیات و اخبار برای اثبات مدعی خود استناد مینماید و سرانجام نظر خویش را بیان میدارد، وی درو مضه اول کتاب خلاصه مقال شیخ الرئیس را در بیان انواع محدثات باین شرح می‌آورد: اگر مراد از حادث چیزی باشد که وجودش مسبوق بعدم است (ایس بعد از ایس) هر معلولی بدین معنی حادث است و اگر مراد مسبوق بعدم زمانی بودن شیئی باشد هر معلولی حادث نتواند بود. و اما قسم اول یعنی ایس بعد از ایس را نیز دو قسم است؛ یکی آنکه وجود شیئی بعد از ایس مطلق باشد، دیگر آنکه وجودش بعد از ایس خاص یعنی عدم خاص آن شیء باشد و بنابراین حادث را سه قسم بوده:

۱ - آنکه مسبوق بعدم زمسانی باشد ۲ - آنکه مسبوق بعدم و نیستی مطلق باشد ۳ - آنکه مسبوق بعدم خاص مقابل وجود خاص همان حادث باشد. و در فرق میان این دو قسم اخیر از ابن سینا چنین نقل میکند که حادث غیر زمانی دو نوع بوده: یکی آنکه مسبوق بعدم صرف مطلق به بعدیه ذاتی باشد یعنی مسبوق بعدم ذاتی باشد، دیگر آنکه مسبوق بعدم صریح مقابل وجود خاص شیئی حادث باشد که این قسم هر چند مسبوق بعدم زمانی هم نباشد، اجتماعش با وجود بالفعل همان شیئی حادث امکان ندارد، زیرا اجتماع عدم بالفعل و وجود بالفعل باهم امکان ندارد، در صورتیکه اجتماع وجود بالفعل شیئی حادث با عدم ذاتی آن امتناعی ندارد، زیرا هر معلولی از جهت ذات خود لیس و از جهت انتساب بفاعل ایس است. و بهر حال میرداماد آن قسم حادث را که مسبوق به عدم بالفعل صریح است مسبوق بعدم زمانی نیست حادث دهری می نامد.

یعنی حادث بنا بر آنچه از ابن سینا نقل شد سه قسم بوده:

۱- زمانی. ۲ - حادث بعد از لیس مطلق یا لیسیت ذاتی که آنرا حادث ذاتی گویند ۳ - حادث بعد از لیس بالفعل صریح یعنی لیس غیر مطلق که آنرا میرداماد حادث دهری میخواند. محقق داماد بنقل از کتاب معتبر ابوالبرکات که او خود از دیگر حکیمان نقل کرده عدم تأثیر مقدار زمان عدم سابق بر وجود حادث زمانی را در تحقق حدوث زمانی تبیین و تشریح می نماید خلاصه آن کلام آنکه: میدانیم مقدار یعنی کمیت مدت عدمی که وجود حادث پس از آن موجود گردیده در اصل حدوث تأثیری ندارد، یعنی همین اندازه که وجود شیئی مسبوق بعدم زمانی باشد خواه یک لحظه باشد یا یک دقیقه یا یک روز یا یک ماه یا یکسال یا چندین سال هیچ تأثیری در اصل حادث بودن شیئی ندارد، زیرا اگر مقدار و اندازه عدم سابق بر وجود تأثیری در حدوث داشت لازم می بود که با بسیاری و کاستی آن حدوث هم تغییر یابد و چون چنین نیست

معلوم میشود که اصولاً عدم زمانی در تحقق معنی حدوث اثری ندارد ، زیرا اگر تأثیر میداشت قابل و کثیر آن یکسان نمی بود . و این کلام را مؤید بر اثبات حدوث دهری میداند ، زیرا نتیجه این سخن این است که امتداد و لامتداد را در حدوث اثری نیست و تنها عدم صریح در تحقق حدوث کافی است . وی می گوید : *ومن البيانات التنبهيه لاثبات حدوث الدهري بحسب سبق سلطان العدم الصريح في متن الواقع من غير اعتبار الامتداد و اللامتداد ما اوردده الشيخ ابوالبركات في المعبر ناقلا عن الحكماء حيث قال ...* . و پس از این بیان اقسام وجود و عدم بحسب ظروف آنها می پردازد . ، و خلاصه کلام وی اینکه : انقسام و امتداد و مقابلات آن دوازده ذاتیات کمیات متصل قار الذات و غیر قار الذات است . و چون وجود من حیث هو وجود و عدم من حیث هو عدم از مقوله "کمیات قار الذات و غیر قار الذات نیستند ، بنابراین امور مزبور از ذاتیات عدم و وجود نتواند بود بلکه بالعرض در آنها حصول مییابند و باعتبار مقارنه با آنها بدین صفات متصف میشوند ، بنابراین حصول را فی نفسه سه ظرف یا وعاء تواند بود :

۱ - وعاء متقدر و سیال که آن ظرف زمانیات و متغیرات عالم کیان است . ۲ - وعائی که وجود صریح مسبوق بعدم صریح در آن متحقق است همچون ثابتات بما هو ثابتات که ظرف وجود آنها متن واقع و دهرست و فوق دایره متکلمات و متقدرات و لامتقدرات است . ۳ - وعاء بحث وجود ، یعنی وجود صرف و محض که مسبوق بهیچیک از انواع عدم نبوده و عاری از عروض تغییر و تقدیر است و ثابت و متحقق بالاطلاق است ، یعنی صرف فعلیت محض است و وعاء آن سرمد است . آنگاه بیان فرق حادث زمانی و حادث دهری می پردازد و معلوم میدارد که عدم و وجود حادث زمانی در کل زمان با هم اجتماع دارند ولی اجتماع عدم و وجود حادث دهری در وعاء دهر غیر ممکن می باشد ، چون دهر را جزء نیست تا در جزئی از آن موجود بوده و در جزء

دیگر معدوم باشد بخلاف زمان که دارای اجزاء است که قابلیت این معنی را دارد. و پس از آن تمایز و تفارق اقسام سه گانه^۱ حادثات ذاتی و دهری و زمانی را بیان میدارد و اجتماع عدم ذاتی و وجود بالفعل را ممکن میداند همچنانکه اجتماع وجود و عدم حادث زمانی را در امتداد کل زمان متحقق می‌شمارد ولیکن اجتماع وجود و عدم حادث دهری را در وعاء دهر غیر معقول و غیر متحقق میداند. و در رمیض بعد امتیاز اقسام سه گانه^۲ قدیم ذاتی و قدیم دهری و قدیم زمانی را بیان میدارد. بدین بیان که قدیم ذاتی واجب الوجود و غیر مسبوق بعدم ذاتی است و قدیم دهری غیر مسبوق بعدم صریح و برخوردار از وجود ازلی است و قدیم زمانی غیر مسبوق بعدم زمانی یعنی آنکه وجودش را ابتداء زمانی نیست. و ملاک این قسم قدیم بی نیازی آن از امکان استعدادی است و اینکه وجودش سراسر زمان را فرا گرفته باشد و از همین جهت با حادث زمانی که برخوردار از برهه^۳ از زمان است تمایز دارد. آنگاه معلوم میدارد که هر چند اقسام سه گانه حادث از جهت مفهوم مختلف و متمایز هستند لیکن از جهت تحقق و حصول باهم تضاد ندارند و هر سه مفهوم میتوانند در یک مصداق تحقق یابند. آنگاه به پاره‌ای از آیات و احادیث بر اثبات مدعای خویش استناد مینماید و دوباره بدفع بعضی ایرادات و توهمات وارد بر مدعای خویش می‌پردازد و بعد بدین نکته اشارت میدارد که حدوث ذاتی و دهری را اقسامی نیست. خلاصه^۴ مقال در این باب این است که متکلمان و حکما را در مسئله^۵ حدوث و قدم عالم وجود عقایدی مختلف است متکلمان همه^۶ عالم وجود را مسبوق بعدم زمانی میدانند و زمان را خود امری موهوم میندازند که از امتداد وجود باری تعالی انتزاع میشود. این عقیده استوار نیست و بحث در آن را در اینجا مجال نیست، حکمای مشائی جمیع عالم را قدیم زمانی و حادث ذاتی میدانند و ملاک احتیاج معالیل امکانی را امکان آنها میشناسند و بهمین جهت مانعی نمی‌بینند که عالم قدیم و

دائمی باشد و نسبت بحق اول متعلق الذات والهویه باشد، ملاصدرا عالم عقول را حادث ذاتی و ازلی الوجود میدانند و آنرا جز ماسوی الله نمیشناسد و ماسوی الله را همان مادیات میدانند که احکام بینونت در آنها غلبه تام دارد.

دانشمند داماد استرآبادی عالم مجردات را بخلاف فلاسفه مشاء و اشراق حادث دهری میدانند و قائل است که این حدوث حدوث انفکاک است که در متن اعیان واقع است نه حدوث ذاتی که منافات بامعیت وجودی علت و معلول ندارد. اینک برخی از عبارات سید داماد را از کتاب قیسات که در آن بمطالب یاد شده اشارت رفته است میآوریم: فقد تلخص من ذلك كله ان الباری الحق الواجب بالذات سبحانه بجمیع جهاته و صفاته موجود فی السرمذ لافی الزمان و لافی الدهر بل متعالیاً عنهما و مقدساً عن لوازمهما و عوارضهما و خواصهما و احکامهما سرمداً از لا و ابدآ. و الجواهر الثابتة بمالها من الصفات و العوارض من فرائض الكمالات و نوافلها موجودة فی الدهر لافی السرمذ و لافی الزمان بوجه من الوجوه اصلاً و المتغیرات المعروضة للسيلان و الفوت و اللحوق بماهی متغیرات انما هی موجودة فی الزمان لافی السرمذ و لا الدهر و لاحظ لها بهذا الاعتبار من الوجود فی الدهر مطلقاً، فاما من حيث ان کلامها ثابت الحصول فی وقته غیر مرتفع التحقق عن زمان وجوده ابدآ، اذ وقت حصول الشی لا یكون وقتاً للاصوله اصلاً بالضرورة الفطرية، فهی من هذه الجهة موجودة فی الدهر لافی السرمذ و لافی الزمان. باز سید داماد در بیان فرق بین عدم مقابل و عدم مجامع و عدم نقیض وجود شیئی و غیر نقیض آن، چنین اشارت دارد: عساک تكون اذن قد تعرفت ان سبق العدم بحسب الحدوث الذاتی سبقاً بالذات لیس سبيله مسبوقة الوجود بالعدم المقابل له، اذ سلب الوجود فی مرتبة نفس الماهية من حيث هی لایقابل الوجود الحاصل فی حاق الواقع من تلقاء العلة الفاعلة بل بجامعه. و كذلك سبق العدم بحسب الحدوث الزمانی سبقاً بالزمان لیس سبيله ان

یکون الوجود الحادث مسبقاً بعدم یقابله فی امتداد الزمان فان قبلية العدم - السابق مما یزید لبعدية الوجود اللاحق بحسب تمايز زمانیهما فی الوجود لکونهما زمانیین و حد العدم القبل غیر حد الوجود البعد ، و الحدان غیر مجتمعین فی امتداد الزمان الغير القار بل انما هما معاً بحسب الوجود فی متن الدهر معیه دهریه غیر متکتمه ، و من الوحدات المعتبره فی التقابل بین الایجاب و السلب الزمانیین و حدة الزمان البتة ففی هذین النوعین من الحدوث لتقابل بین القبل و البعد بتة ، فاما الامر فی النوع الثالث - و هو الحدوث الدهری فعلى خلاف تلك الشاکله ، فحیث انه لیس یجری فی الدهر توهم الامتداد و الانقسام اصلاً ، فلا یكون حد العدم الصریح السابق فی الدهر منمازاً فی التوهم عن حد الوجود الحادث من بعد ، بل انه یبطل عقد السلب الدهری و یقع فی حیزه عقد الایجاب الثابت الدهری . فلیهجر و سواس الشیطان الوهم و لیس لک سبیل العقل الصراح و لیجتهد فی تلطیف القریحه . برای آگاهی بیشتر به کتاب مورد بحث مراجعه شود .

۲ - مسئله بدا : از مهمترین مسائل کلامی که محل اختلاف علماء تسنن و دانشمندان شیعی است موضوع بداء است و چنانکه میدانیم موضوع بدا با مسئله نسخ احکام ارتباط نزدیکی دارد که هر دو نتیجهٔ بمعنی زوال حکمی است که بنظر ثابت میرسیده است با این تفاوت که نسخ زوال حکمی است که آمد ثبوت آن بسر رسیده و بدا بمعنی آشکار شدن مصلحت در حکم ثانی است که بنظر میرسید وجود نداشته . تحقیق دربارهٔ حقیقت آنها و تمیز آن دو باهم در ذیل خواهد آمد . امام فخر رازی در موضوع بدا و تقیه شیعه را بشدت مورد تشیع و سرزنش قرار داده و میگوید شیعه با تمسک به این دو موضوع میتواند هر مسئله ای که درجائی قبول داشته یا هر حکمی را که درجائی گفته بعد از آن به استناد اینکه تقیه کرده ام یا در آن حکم بدا حاصل شده ، سخن اول خود را پس بگیرد .

علاوه بر این در خصوص مسئله بدا مشکلی عقلی و اعتقادی بنظر میرسد و آن اینکه در صورت محقق بودن بدا لازم می آید که خداوند جاهل با حکام و امور بوده یا عباد خود را اغراء بجهل کرده باشد که هر دو امر بر خداوند قبیح و غیر جایز است. بهر حال محقق داماد رساله^۱ مستقلی در تبیین حقیقت معنی بداورد اشکالهای وارد بر آن تصنیف کرده و معلوم داشته که ایرادات همه ناشی از عدم درک حقیقت معنی بداست و گرنه بایبانی که وی درباره حقیقت آن آورده هیچ اشکال عقلی و دینی بر آن وارد نیست.

محقق داماد در مسئله^۲ بدا پس از ذکر اشکال امام فخر رازی در طعن بر شیعه در خصوص دو اصل بدا و تقیه و ذکر جوابی که محقق طوسی خواجه نصیر بوی داده به این تقریب که روایت در باب (بدا) خبری واحد است و خبر واحد در نظر علمای امامیه حجت نیست، بتفصیل در معنی بدا و تقیه سخن میگوید: و خلاصه آن اینست که مسئله^۳ (بدا) نه تنها مستند بروایات متواتره صحیح از طریق شیعه امامیه است، بلکه جمهور محدثان بزرگت اهل تسنن همچون بخاری و مسلم و ابوداؤد دارقطنی از طریق پیامبر (ص) روایات صحیح و معتبری آورده اند و علاوه بر این در کتاب الله یعنی قرآن مجید اشاراتی بدان موضوع وجود دارد که باتوجه به دلائل نقلی مذکور، باید مسئله^۴ بدا از ضروریات دین بشمار باشد و نتیجه میگیرد که جواب خواجه طوسی به فخر رازی از غرایب است. باری روایات باب بدا را از طرق مختلف بتفصیل نقل میکند ولی در عین حال روایت حضرت صادق (ع) را در خصوص وقوع بدا در امامت اسماعیل غیر معتبر میدانند و آنرا به بداء حکم درباره^۵ ذبح اسماعیل بدست ابراهیم پدرش محمول میدانند و بر این معنی استدلال میکند به روایات معتبری که از طریق خاصه و عامه در باب امامت دوازده امام شیعه از پیغمبر (ص) روایت شده و اسامی هر دوازده امام در آنها بصراحت ذکر گردیده است و نتیجه میگیرد در جائی که بموجب

روایات مذکور امامت موسی از آغاز معلوم بوده چگونه ممکن است در زمان حضرت صادق (ع) بدا حاصل شده باشد. بمناسبت همین موضوع محقق داماد فصل مشبعی در اثبات امامت ائمه معصومین شیعه می آورد و پس از آن دوباره بتعریف موضوع بدا و رفع اشکال آن از نظر عقل میپردازد. او میگوید: اصل این مسئله بمنظور رد قول یهودیان که کتاب محو و اثبات را در امور تکوینی و مسئله نسخ را در احکام تشریحی انکار داشتند مطرح گردیده است و در تشریح و تبیین آن بتفصیل سخن آمده است. آنگاه تعریف معنی کلمه بدا را در لغت آورده و میگوید: کلمه (بدا) بر وزن سماء بمعنی نظر و رأی تازه صحیحی است که برای شخص در باره امری پدید می آید و در این باره نیز سخن باشباع آورده آنگاه در معنی اصطلاحی آنرا نزدیک به این عبارت بیان میدارد: بدا در امور تکوینی بمنزله نسخ است در احکام تشریحی؛ بنابراین آنچه در احکام تشریحی تکلیفی و وضعی متعلق به افعال مردم بنام (نسخ) خوانده میشود در امور تکوینی و افاضات تکوینی متعلق به معلولات کونیه و مکونات زمانیه (بدا) خوانده می گردد و بواقع نسخ بدا تشریحی و بدا نسخ تکوینی است. بنابراین در مقام قضا و نسبت به جناب قدوس حق احدیت و همچنین مفارقات محضه و عالم مجردات و ملائکه قدسی و حتی در ظرف (دهر) که وعاء امور قاره و ثابتات باته و نظام کلی وجود است بهیچ روی (بدا) تحقق ندارد. و تنها در مقام قدریات و امور واقع در امتداد زمان که مرحله تجدد و تغیر و سبق و لحوق و تدریج و تعاقب و نسبت به کائنات واقع در زمان و امور هیولانی (بدا) تحقق دارد و خلاصه آنکه بداتنها در باره اموری که در ظرفهای زمان و مکان قرار دارند و از عالم ماده و طبیعیات بشمارند تحقق دارد. و حقیقت بدا چنانکه گفتیم از نظر تحقیقی دقیق قطع استمرار وجود امور تکوینی و پایان یافتن ارتباط افاضه حق بدان امر و بسر رسیدن امتداد فیضان الهی در حق امر معجول

کونی و معلول زمانی است و در واقع همان محدود گردیدن کون امر زمانی و اختصاص فیض بدو است بزمانی معین بنسبت اقتضاء معادلات و شرایط و اختلافات استعداد قوایل است . یعنی همانطوریکه حقیقت نسخ در احکام تشریحی انتهای امد حکم مزبور و انقطاع استقرار آن حکم است در زمان نسخ نه ارتفاع حکم مزبور از ظرف واقع ، همچنین (بدا) سرآمدن استمرار زمان وجود امور زمانی است در وعاء زمان نه اینکه از وعاء واقع رفع گردیده باشد ، بزبان دیگر امور مادی زمانی را زمان محدود و معین است که چون آن زمان سپری شود طبیعت آن وجود در زمان بعد نمی تواند تحقق داشته باشد و چنین نیست که اصل آن وجود از وعاء واقع محو و نابود شده باشد . میرداماد در پایان اضافه میکند که : بیان فوق درباره حقیقت (بدا) حق تحقیق و مشرب تدقیق است . بد نیست عین عبارت او را باختصار نقل کنیم :

اما بحسب الاصطلاح فالبداء منزله فی التکوین منزلة النسخ فی التشريع فما فی الامر التشريعی والاحکام التشريعیة التکلیفیه والوضعیة المتعلقة بافعال المکلفین نسخ فهو فی الامر التکوینی والافاضات التکوینیة فی المعلولات الکونیة والمکونات الزمانية بداء فالنسخ کانه بداء تشریعی و البداء کانه نسخ تکوینی ولا بداء فی القضاء ولا بالنسبه الی جناب القدوس انما البداء فی القدر فی امتداد الزمان الذی هو اوفق التفصی و التجدد ... وکما حقیقة النسخ عند التحقیق انتهاء الحکم التشريعی و انقطاع استمراره لارفعه و ارتفاعه عن وعاء الواقع فکذلک حقیقه البداء عند الفحص البالغ و اللحاظ الفاتر انبات استمرار الامر التکوینی و انتهاء اتصال الافاضه و نفاذ الفيضان فی المجمول الکونی و المعلول الزماني.....